

رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود با دلزدگی زناشویی در پرستاران بیمارستانهای آموزشی شهر تهران

پریسا مؤمنی^۱

چکیده

پژوهش حاضر با هدف بررسی رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تمایز یافتگی و دلزدگی زناشویی در پرستاران بیمارستانهای شهر تهران انجام گرفت. روش پژوهش از نوع همبستگی بود. نمونه مورد بررسی ۱۷۶ نفر از پرستارانی که در بیمارستانهای آموزشی شهر تهران کار می‌کنند به روش نمونه‌گیری در دسترس انتخاب شدند. داده‌ها با استفاده از "پرسشنامه طرحواره ناسازگار اولیه" و "پرسشنامه تمایز یافتگی خود" و "پرسشنامه دلزدگی زناشویی" جمع‌آوری و با استفاده از آزمون آمار توصیفی و استنباطی (آزمون ضریب همبستگی پیرسون و رگرسیون چند متغیره) تحلیل شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که طرحواره‌های ناسازگار اولیه و مؤلفه‌های آن به جز مؤلفه "هدایت شدن توسط دیگران" و جز مؤلفه‌های "گریز عاطفی" و "هم آمیختگی با دیگران" از ابعاد تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی رابطه معناداری دارد. این دو متغیر قادر به پیش‌بینی ۷۸/۶ درصد از واریانس دلزدگی زناشویی هستند. می‌توان از این نتایج اینگونه استنباط کرد که هرچه "طرحواره ناسازگار اولیه" زوجین بیشتر باشد، به احتمال بیشتری درجه دلزدگی زناشویی آنها بالا می‌رود. هم‌چنین هرچه زوجین "تمایز یافتگی" بیشتری داشته باشند، درجه دلزدگی آنها کاهش می‌یابد.

واژگان کلیدی: طرحواره‌های ناسازگار اولیه، تمایز یافتگی خود، دلزدگی زناشویی.

۱. مقدمه

ازدواج یکی از مهمترین حوادثی است که در زندگی رخ می‌دهد، در حالی که بعضی ازدواج‌ها موجب رشد و شکوفایی زوجین است، بسیاری از زن و شوهرها نیز می‌توانند به مصیبت‌هایی در مقابل یکدیگر بدل شوند. ایجاد و حفظ روابط صمیمانه و ارضای نیازهای عاطفی و روانی در جریان ازدواج، هنر و مهارتی است که علاوه بر سلامت روان و تجارب سالم اولیه، نیازمند داشتن و کسب نگرش‌های منطقی، مهارت‌های ارتباطی، مهارت‌های زندگی و انجام وظایف خاص خویش است (عطاری، حسین پور، راهنورد، ۱۳۸۸). ایس عنوان می‌کند زوج‌هایی که به تازگی ازدواج کرده اند کمتر به این فکر می‌کنند که ممکن است زمانی عشق افسانه‌ای آنان کمرنگ شود و این درست زمانی است که دلزدگی آغاز شده است (ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴).

شروع دلزدگی معمولاً روندی تدریجی دارد و به ندرت پدیده ناگوار یا حتی از چند ضربه‌ی ناراحت‌کننده ناشی می‌شود (ون پولت، ۲۰۰۴). دلزدگی زناشویی یک حالت دردناک فرسودگی جسمی، عاطفی و روانی است که در نتیجه اختلاف زیاد بین انتظارات و تفکرات غیر واقع بینانه و فراز و نشیب‌های زندگی بروز می‌کند (پاینز، ۲۰۰۰؛ به نقل از شاداب، ۱۳۸۸). دلزدگی زمانی بروز می‌کند که زوجین متوجه می‌شوند که علیرغم تلاش‌هایشان، رابطه‌شان به زندگی معنا نداده و نخواهد داد (ون پولت، ۲۰۰۴؛ به نقل از ادیب راد و ادیب راد، ۱۳۸۴) در شدیدترین نوع، دلزدگی با فروپاشی رابطه همراه است (برنشتاین؛ ترجمه تونزده جانی و کمالپور، ۱۳۸۰) به اعتقاد کایزر (۱۹۹۶) اغلب طلاق‌ها ممکن است ریشه در دلزدگی زوجین داشته باشد. با وجود اینکه اغلب ازدواج‌ها به نوعی دلزدگی را تجربه می‌کنند اما بسیاری با کیفیت پایین ادامه می‌یابند و زندگی بی‌ثبات و ناخوشایندی را تشکیل می‌دهند که متمایل به فروپاشی است و بر لبه نابودی قرار گرفته است. این ازدواج ممکن است لزوماً به طلاق منجر نشود ولی مسلماً با فراوانی افکار و تصورات درباره جدایی همراه خواهد بود (کایزر، ۱۹۹۶؛ به نقل از گابریل و همکاران، ۲۰۱۰)

از این رو بررسی عوامل مؤثر بر اختلافات زوجین می‌تواند مبنایی برای برنامه‌ریزی به منظور پیشگیری از وقوع طلاق و کاهش آن در جامعه محسوب گردد (ریاحی و همکاران، ۱۳۸۶). در بررسی علت طلاق افزون بر عوامل اجتماعی، اقتصادی و حقوقی عوامل بین فردی و روانشناختی از جمله طرحواره‌ها از اهمیت ویژه برخوردار است (یوسفی، ۱۳۹۰). اغلب مشکلات بین فردی که افراد تجربه می‌کنند تحت تأثیر شیوه‌ی تصور ۱ آن‌ها در مورد خود و دیگران است. این شیوه تصور طرحواره نامیده می‌شود (بک ۱۹۷۶). مطابق نظر یانگ (۱۹۹۹) بعضی از افراد به خاطر تجارب کودکی منفی طرحواره‌های ناسازگار اولیه را ایجاد می‌کنند که بر شیوه تفکر، احساس و رفتار آنها در روابط صمیمانه بعدی و سایر جنبه‌های زندگیشان تأثیر می‌گذارد. وی معتقد است که طرحواره‌ها به دلیل ارضا نشدن نیازهای هیجانی اساسی دوران کودکی بوجود می‌آیند، و به زندگی بزرگسالی راه می‌یابند و تا حد زیادی ناکارآمدند (یانگ، ۱۹۹۹).

طرحواره‌های ناسازگار اولیه، نمونه‌های نامعتبری از تجارب آسیب‌زای کودکی هستند که رفته رفته به صورت الگوهایی از تفکرات تحریف شده و رفتارهای ناکارآمد، تثبیت می‌شوند و از آنجایی که در آغاز زندگی پرورش می‌یابند به صورت عادت و بی‌هیچ پرس و جویی باقی می‌مانند و اغلب خودپنداره و دیدگاه‌های انسان را درباره جهان تشکیل می‌دهند. حتی زمانی که شواهدی ارائه می‌شود که طرحواره‌ها مورد انکار قرار می‌گیرند، بسیاری از افراد اطلاعات خود را تحریف می‌کنند تا اعتبار طرحواره محفوظ بماند (تیمور نژاد، ۱۳۹). داشتن طرحواره‌های ناسازگار اولیه پیش بینی کننده ناسازگاری بین فردی است (مطیعی و همکاران، ۱۳۹۳).

یوسف نژاد و پیوسته گر (۱۳۹۰) در پژوهشی با هدف تعیین رابطه رضایت از زندگی با طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان به این نتیجه دست یافتند که بین محرومیت هیجانی، انزوای اجتماعی، نقص/شرم، شکست، وابستگی/بی‌کفایتی، آسیب‌پذیری نسبت به ضرر یا بیماری، اطاعت، از خودگذشتگی، بازدارنده هیجانی، معیارهای سرسختانه، عیب

جویی افراطی، خویشتن داری و خود انضباطی ناکافی با رضایت زناشویی از زندگی رابطه منفی معنادار وجود دارد. نیک منش و پیراسته مطلق (۱۳۹۱) در پژوهشی تحت عنوان "طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی"، نتایج نشان داد که بین ابعاد طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی همبستگی معکوس و معناداری مشاهده می‌شود. همچنین نتایج نشان داد از بین ابعاد بنابرین می‌توان طرحواره‌ها را یکی از عوامل شناختی دانست که بطور مستقیم در انتخاب همسر نقش دارند. پژوهش‌ها نشان داده اند که طرحواره‌ها نقش مهمی در روابط ناکارآمد زناشویی ایفا می‌کنند و اصلاح آنها منجر به بهبود روابط زناشویی می‌شود (مطیعی، برجلی، تقوایی، ۱۳۹۳).

و اما یکی از عوامل دیگری که در تعارض بین زوجین نقش دارد تمایز یافتگی خود می‌باشد. میزان تمایز یافتگی افراد عامل عاطفی و روانی دیگری با تأثیر بر رضایت زناشویی، می‌تواند باعث اختلاف یا تحکیم روابط زوجین شود (ایوبلو، ۱۳۹۳). بر اساس نظریه نظام های خانوادگی بوئن (۱۹۷۸) تمایز یافتگی سطحی را توصیف می‌کند که یک شخص قادر است بین کارکرد عقلی و عاطفی خود در روابطش با صمیمیت و خودمختاری تعامل برقرار کند (دوکسار، ۲۰۰۸، گلید، ۲۰۰۵). بوئن معتقد است سطح تمایز یافتگی فرد در بین خانواده مبدأ رشد می‌کند و به شدت تحت تأثیر پویایی‌ها و تعاملات بین اعضای خود قرار دارد و در زندگی آینده فرد اثر می‌گذارد. زن و شوهری که با هم ازدواج کرده‌اند و یک سیستم جدید تشکیل داده اند ممکن است به سیستم خانواده‌های قبلی‌شان وابسته باشند و این منجر به بروز تغییراتی در سیستم جدید آنها شود (طالبی، غباری بناب، ۱۳۹۱). بسیاری از اوقات تعارض‌هایی که بین زن و شوهر رخ می‌دهد حاصل تأثیر متقابل این سیستم خانوادگی است (استریت؛ ترجمه تبریزی و علوی نیا، ۱۳۸۲).

اسکورن (۲۰۰۰) در یک مطالعه بر روی ۳۹ زوج، تمایز یافتگی را به عنوان عامل سازگاری زناشویی بکار برد. در این مطالعه نمرات زن و شوهر در پرسشنامه تمایز یافتگی به عنوان شاخص تمایز یافتگی زوج‌ها جمع آوری شد. نتایج تحلیل رگرسیون نشان داد که نمره تمایز یافتگی ۰/۷۴ واریانس نمره‌های سازگاری زناشویی مردان و ۰/۶۱ واریانس در نمره‌های سازگاری زناشویی زنان را تبیین می‌کند (اسکورن، ۲۰۰۰). میلر و همکاران (۲۰۰۴) در یک تحقیق رابطه بین خود متمایز سازی، آشفتگی روانی و رضایت زناشویی را بررسی کردند. در این پژوهش، این نظریه بوئن که افرادی با سطح تمایز یافتگی متشابه با هم ازدواج می‌کنند، معنادار نشد. هم چنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد افراد با سطح تمایز یافتگی پایین، آشفتگی روانی بیشتری را تجربه می‌کنند و رضایت زناشویی آنان پایین است (زارعی، ۱۳۹۲). حال با بیان مطالب فوق، پژوهش حاضر می‌خواهد به بررسی این موضوع بپردازد که آیا رابطه ای بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه با تمایز یافتگی خود با دلزدگی زناشویی وجود دارد؟

۲. روش پژوهش

تحقیق حاضر با توجه به هدف و فرضیات آن، توصیفی و از نوع همبستگی است. جامعه آماری مورد نظر در این پژوهش، کلیه پرستاران بیمارستانهای آموزشی شهر تهران که در سال ۱۳۹۵-۱۳۹۴ با همسرانشان زندگی می‌کنند را شامل می‌شود. با توجه به فرمول گرین (۱۹۹۱) و تعداد متغیرها حجم نمونه ۱۲۲ نفر محاسبه شد. با احتساب ریزش نمونه و استفاده نشدن برخی از پرسشنامه‌ها به دلیل کامل پر نشدن، پژوهشگر تعداد نمونه را به ۱۷۶ نفر افزایش داد. انتخاب نمونه بر اساس نمونه گیری در دسترس انجام شد. پرسشنامه‌های پژوهش شامل پرسشنامه دلزدگی زناشویی (CBM) فرم کوتاه پرسشنامه طرحواره یانگ (YSQ-SF) و پرسشنامه تمایز یافتگی خود (DSI) بودند. در زمینه تجزیه و تحلیل داده‌ها، از آنجایی که هدف پژوهشگر تعیین رابطه بین طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی با دلزدگی زناشویی است و همچنین سهم هر یک از متغیرها در دلزدگی چه میزان است، لذا با استفاده از روش همبستگی و تحلیل رگرسیون چند متغیری به تجزیه و تحلیل داده‌ها اقدام شد.

ابزار پژوهش

پرسشنامه طرحواره ناسازگار اولیه (فرم کوتاه):

این مقیاس توسط جفری یانگ (۱۹۹۸) ساخته شده است که دارای ۷۵ ماده می‌باشد و بر پایه یافته‌های اشمیت و همکاران (۱۹۹۵)، ۱۵ طرحواره ناسازگار اولیه را در ۵ حوزه مختلف طرحواره ارزیابی می‌کند. هر زیر مقیاس دارای ۵ ماده است که یک نوع طرحواره اولیه را اندازه می‌گیرد و با جمع نمرات این ۵ ماده نمره آزمودنی در آن طرحواره به دست می‌آید (یوسفی، ۱۳۹۰).

اولین پژوهش جامع راجع به ویژگی‌های روان سنجی پرسشنامه یانگ توسط اشمیت و همکاران (۱۹۹۵) انجام شد. نتایج این مطالعه نشان داد که برای طرحواره‌های ناسازگار اولیه، ضریب آلفای کرونباخ از $0/۸۳$ (برای طرحواره خود تحویل نیافته/گرفتاری) تا $۰/۹۶$ (برای طرحواره نقص/شرم) بدست آمد و ضریب آزمون-باز آزمون در جمعیت غیر بالینی بین $0/۵$ تا $0/۸۲$ بود. خرده مقیاس‌های اولیه پایایی آزمون-باز آزمون و ثبات درونی بالای را نشان دادند (تیمور نژاد، ۱۳۹۰). روایی و پایایی این پرسشنامه در سال ۱۳۸۶ توسط نامیه اصفهانیان و دکتر سید کاظم رسول زاده در نمونه غیر بالینی ایرانی مورد ارزیابی قرار گرفت. نتایج این پژوهش اعتبار این مقیاس را به وسیله آلفای کرونباخ برای کل آزمون $0/۹۴$ و برای تمام خرده مقیاس‌ها بالاتر از $۰/۸۲$ نشان داد. روایی محتوایی پرسشنامه به تأیید صاحب نظران گروه مشاوره دانشگاه تربیت مدرس رسید (به نقل از تیمور نژاد، ۱۳۹۰).

هم چنین در ایران یوسفی و همکاران (۱۳۸۹) روایی و پایایی پرسشنامه را بر روی یک نمونه ۵۷۹ نفری در دو مرحله (مرحله اول ۳۹۴ و مرحله دوم ۱۸۵ نفر) بررسی نمودند و پایایی آن را به روش آلفای کرونباخ و دو نیمه کردن در کل نمونه به ترتیب $0/۹۱$ و $۰/۸۶$ در دختران $0/۸۷$ و $0/۸۴$ و در پسران $0/۸۴$ و $۰/۸۱$ گزارش نمودند. آنان میزان آلفای کرونباخ را برای همه عامل‌ها بالاتر از $0/۸۱$ و برای کل پرسشنامه بدست آوردند. هنجار این پرسشنامه در ایران توسط آهی (۱۳۸۶) بر روی ۳۸۷ نفر از دانشجویان دانشگاه تهران انجام شد که ۲۵۲ مونث و ۱۳۵ مذکر، به شیوه‌های تصادفی چند مرحله ای از دانشگاه علامه طباطبایی، شهید بهشتی، تربیت مدرس، و علوم و تحقیقات انجام شد. همسانی درونی این پرسشنامه با استفاده از آلفای کرونباخ در جمعیت مونث $0/97$ و در جمعیت مذکر $۰/۹۸$ بدست آمد. در این پژوهش پایایی هر یک از طرحواره‌های ناسازگار با استفاده از آلفای کرونباخ محاسبه شده است. بر اساس پایایی طرحواره‌های محرومیت هیجانی، $0/۸۷$ رها شدگی، $0/۷۸$ بی‌اعتمادی/بدرفتاری، $0/۸۳$ بیگانگی انزوای اجتماعی، $0/۸۷$ نقص/شرم، $0/۸۳$ شکست، $0/۹۰$ بی‌کفایتی/وابستگی، $0/۸۶$ آسیب پذیری نسبت به ضرر و بیماری، $0/۹۰$ گرفتار / خود تحول نیافته، $0/۷۹$ اطاعت، $0/۸۳$ ایثار، $0/۸۲$ بازداری هیجانی، $0/۸۶$ عیب‌جویی افراطی، $0/۷۲$ و خویش‌داری / خود انضباطی کافی $0/۸۷$ بدست آمد (لطفی، ۱۳۸۵).

پرسشنامه تمایز یافتگی خود:

یک پرسشنامه ۴۶ سؤالی است که به منظور سنجش تمایز یافتگی افراد به کار می‌رود و از ۴ خرده مقیاس واکنش پذیری، جایگاه من، گسلس عاطفی و هم آمیختگی عاطفی با دیگران تشکیل شده است (اسکورون و فریلندر ۱۹۹۸). بر اساس نظریه بوئن حداقل ۴ عامل پیش بینی کننده ی سطح تمایز یافتگی یک فرد است:

(۱) واکنش پذیری عاطفی: حالتی است که در آن احساسات یک فرد بر عقل و منطقش غلبه دارد و تصمیم گیری های فرد فقط بر اساس واکنش‌های عاطفی صورت می‌گیرد (گرجان، ۱۳۹۱).

(۲) گریز عاطفی: کودکانی که در فرآیند فرافکنی خانواده قرار می‌گیرند و به طور معمول در زمان بزرگسالی یا حتی قبل از آن از راهبردهای مختلفی برای فرار از پیوندهای هیجانی حل نشده ی خانواده استفاده می‌کنند که این راهبردها می‌توانند

فاصله گرفتن فیزیکی از خانواده یا ایجاد موانع روانی مانند صحبت نکردن با یکی از اعضای خانواده باشد (گرجان، ۱۳۹۱).
 ۳) آمیختگی با دیگران: افراد هم آمیخته به شدت به حمایت اطرافیان خود نیاز دارند و رفتارهایشان تحت تأثیر سیستم‌های هیجانی محیط و واکنش اطرافیان شکل می‌گیرد و به راحتی دچار بد کار کردی می‌شوند (گرجان، ۱۳۹۱).
 ۴) جایگاه من: افراد تمایز یافته از هویت شخصی قوی یا جایگاه من نیرومندی برخوردارند و به خاطر کسب رضایت دیگران، رفتار و عقاید خود را تغییر نمی‌دهند (اسکورن و دندی، ۲۰۰۴). افرادی که دارای جایگاه من بالایی باشند از لحاظ عاطفی پخته‌اند و می‌توانند به میل خودشان احساس یا رفتار داشته باشند (گرجان، ۱۳۹۱).
 اسکورن و فریدلاندر (۱۹۹۸) اعتبار این پرسشنامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ، ۸۲/۰ گزارش کرده‌اند. اعتبار خرده مقیاس‌های درونی پرسشنامه برای خرده مقیاس واکنش پذیری عاطفی، ۸۳/۰ قطع عاطفی، ۸۸/۰ جایگاه من، ۸۰/۰ و هم آمیختگی با دیگران ۰/۸۲ گزارش شده است.

علیکی (۱۳۸۶) اعتبار پرسشنامه را از طریق اجرای اولیه بر روی ۲۰ نمونه کارمندان متأهل دانشگاه تربیت معلم تهران از طریق آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه کرده است. سروستانی (۱۳۸۹) در پژوهش خود جهت بررسی پایایی، پرسشنامه تمایز یافتگی را بر روی ۲۵ نفر از دانش آموزان دختر دبیرستان شبانه اجرا نمود و پایایی پرسشنامه را با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه کرده است (گرجان، ۱۳۹۱). آلفای کرونباخ بدست آمده در پژوهش اسکیان و همکاران برای مقیاس برای مقیاس کلی تمایز یافتگی ۰/۸۸ و برای خرده مقیاس‌ها به ترتیب واکنش پذیری عاطفی، ۸/۰ جایگاه من، ۸/۰ گریز عاطفی ۸/۰ و هم آمیختگی با دیگران ۷۴/۰ محاسبه شد (گرجان ۱۳۹۱).

پرسشنامه دلزدگی زناشویی (CBM)

مقیاس دلزدگی زناشویی (CBM) یک ابزار خودسنجی است که برای اندازه گیری درجه دلزدگی زناشویی در بین زوجین طراحی گردیده است. CBM توسط پاینز در سال (۱۹۹۶) ابداع گردید. این پرسشنامه ۲۱ مورد دارد که شامل ۳ جزء اصلی خستگی جسمی، از پا افتادن عاطفی و از پا افتادن روانی می‌باشد. (پاینز ۱۹۹۶، ترجمه شاداب، ۱۳۸۳)
 ۱) جنبه عاطفی دلزدگی زناشویی: میزان نمره ای که فرد از موارد (افسردگی، روز خوبی داشتن، از نظر عاطفی از پا افتادن، ناراحتی، به دام افتادن، بی چیز بودن و چیزی برای بخشیدن نداشتن، ناامیدی) کسب می‌کند.
 ۲) جنبه روانی دلزدگی زناشویی: میزان نمره ای که فرد از موارد (خوشحال بودن، لبریز شدن کاسه ی صبر، بی ارزش بودن، گرفتار مشکل شدن، درباره همسر خود احساس خشم و سرخوردگی کردن، طرد شدن از طرف همسر، خوش بین بودن، اضطراب) کسب می‌نماید.
 ۳) جنبه جسمی دلزدگی زناشویی: میزان نمره ای که فرد از (خستگی، از نظر جسمی از پا افتادن، تهی و خالی شدن و درد در همه بدن، خستگی و تباهی و مستعد بیماری شدن، ضعف و اختلالات خواب و پر انرژی بودن) کسب می‌نماید.
 ارزیابی ضریب اعتبار CBM نشان داد که آن دارای یک همسانی درونی بین متغیرها در دامنه ۰/۸۴ و ۹۰/۰ است. ضریب اطمینان آزمون-باز آزمون ۰/۸۹ برای یک دوره یک ماهه، ۰/۷۶ برای دوره دو ماهه، و ۰/۶۶ برای دوره چهار ماهه بود. تداوم درونی برای اغلب آزمودنی‌ها با ضرایب ثابت آلفا سنجیده شده، که بین ۰/۹۱ تا ۰/۹۳ بود، روایی CBM به وسیله همبستگی‌های منفی با ویژگی‌های ارتباطی مثبت به تأیید رسیده است. در ایران نیز نویدی (۱۳۸۴) آلفای کرونباخ این پرسشنامه را در مورد ۲۴۰ نمونه، ۱۲۰ پرستار و معلم اندازه گیری کرد که ۰/۸۶ بود و اعتبار آن را از طریق همبسته کردن با یک سؤال کلی ۰/۷۴ گزارش کرده است. همانطور که مشاهده می‌شود CBM از همسانی درونی و ضریب پایایی بالا و رضایت بخشی برخوردار است و جهت اندازه گیری میزان دلزدگی زوجی ابزار مناسبی است (شاداب، ۱۳۸۳).

۳. یافته‌ها

اطلاعات جمعیت شناختی

الف) میزان سابقه شغلی

جدول شماره ۱: توزیع فراوانی میزان سابقه شغلی

میزان سابقه شغلی	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی
۵ تا ۶ سال	۲۲	٪۱۲/۵	٪۱۲/۵
۷ تا ۸ سال	۳۵	٪۱۹/۹	٪۳۲/۴
۹ تا ۱۰ سال	۳۸	٪۲۱/۶	٪۵۴/۰
۱۱ تا ۱۲ سال	۳۴	٪۱۹/۳	٪۷۳/۳
۱۴ تا ۳۱ سال	۲۷	٪۱۵/۳	٪۸۸/۶
۱۵ تا ۱۶ سال	۲۰	٪۱۱/۴	٪۱۰۰
جمع	۱۷۶	۱۰۰٪	

همانطور که در جدول شماره ۱ ملاحظه می‌شود، ۵۴٪ از افراد حاضر در نمونه مورد مطالعه دارای سابقه شغلی کمتر از ۱۰ سال می‌باشند. در نمودار شماره ۱ نیز توزیع فراوانی میزان سابقه شغلی رسم شده است.

ب) میزان سابقه ازدواج

جدول شماره ۲: توزیع فراوانی میزان سابقه ازدواج

میزان سابقه ازدواج	فراوانی	فراوانی نسبی	فراوانی نسبی تجمعی
۵ تا ۸ سال	۲۲	٪۱۲/۵	٪۱۲/۵
۹ تا ۱۲ سال	۳۹	٪۲۲/۲	٪۳۴/۷
۱۳ تا ۱۶ سال	۵۲	٪۲۹/۵	٪۶۴/۲
۱۷ تا ۲۰ سال	۳۸	٪۲۱/۶	٪۸۵/۸
۲۱ تا ۲۴ سال	۲۰	٪۱۱/۴	٪۹۷/۲
۲۵ تا ۲۸ سال	۵	٪۲/۸	٪۱۰۰
جمع	۱۷۶	٪۱۰۰	

همانطور که در جدول شماره ۲ ملاحظه می‌شود، در حدود ۳۵٪ از افراد حاضر در نمونه مورد مطالعه دارای سابقه ازدواج کمتر از ۱۲ سال می‌باشند. در نمودار شماره ۲ نیز توزیع فراوانی میزان سابقه ازدواج رسم شده است.

جدول ۳: نتایج آزمون کلموگروف- اسمیرنوف برای سنجش نرمال بودن متغیرها

متغیرها	آماره کلموگروف - اسمیرنوف	تعداد	سطح معنی داری
دلزدگی زناشویی	۰/۶۷۷	۱۷۶	۰/۷۴۹
طرح واره ناسازگار اولیه	۱/۰۹۸	۱۷۶	۰/۱۷۹
تمایز یافتگی	۱/۱۱۵	۱۷۶	۰/۰۸۲

با توجه به اینکه تمامی مقادیر سطح معنی داری آزمون کلموگروف - اسمیرنوف که در جدول ۳ آورده شده است، بزرگتر از ۰/۰۵ هستند، فرض صفر آزمون مبنی بر نرمال بودن توزیع متغیرها تأیید می شود.

جدول ۴: ماتریس همبستگی طرحواره ناسازگار اولیه

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضرایب	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)	(۶)
(۱) طرحواره ناسازگار اولیه (کل)	۲۵۲/۶۰	۱۲/۷۱	ضریب همبستگی	۱					
(۲) بریدگی و طرد	۸۶/۷۴	۵/۵۷	ضریب همبستگی	۰/۴۶۸	۱				
(۳) خودگردانی و عملکرد مختل	۵۸/۹۷	۴/۶۲	ضریب همبستگی	۰/۵۶۰	۰/۱۲۱	۱			
(۴) محدودیتهای مختل	۲۷/۹۰	۶/۳۵	ضریب همبستگی	۰/۶۷۱	-۰/۱۲۷	۰/۱۵۸	۱		
(۵) هدایت شدن توسط دیگران	۴۲/۴۱	۲/۹۷	ضریب همبستگی	۰/۲۶۸	۰/۱۴۲	۰/۰۸۳	-۰/۰۶۱	۱	
(۶) گوش به زنگی مفرط و بازداری	۳۶/۵۶	۳/۶۸	ضریب همبستگی	۰/۶۶۷	۰/۰۵۷	۰/۱۵۵	۰/۶۳۷	-۰/۰۹۲	۱

بر اساس جدول ۴ بالاترین ضریب مربوط به همبستگی بین دو بعد محدودیت های مختل و گوش بزنگی مفرط و بازداری است. به علاوه، در بین ابعاد طرحواره ناسازگار اولیه مهمترین بُعد گوش بزنگی مفرط و بازداری می باشد.

جدول ۵: ماتریس همبستگی تمایز یافتگی خود

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضرایب	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
(۱) تمایز یافتگی خود(کل)	۱۵۶.۷۰	۱۵.۵۸	ضریب همبستگی	۱				
			سطح					
			معنی داری	۰/۰۰۰				
(۲) واکنش پذیری هیجانی	۳۴.۱۴	۴.۶۷	ضریب همبستگی	۰/۹۳۹	۱			
			سطح					
			معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
(۳) جایگاه من	۴۳.۰۵	۱.۵۵	ضریب همبستگی	-۰/۱۹۸	-۰/۱۱۸	۱		
			سطح					
			معنی داری	۰/۰۰۸	۰/۱۱۷	۰/۰۰۰		
(۴) گریز عاطفی	۳۸.۶۵	۷.۴۳	ضریب همبستگی	۰/۹۷۳	۰/۸۸۳	-۰/۱۲۳	۱	
			سطح					
			معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۱۰۴	۰/۰۰۰	
(۵) هم آمیختگی با دیگران	۴۰.۸۷	۴.۰۵	ضریب همبستگی	۰/۹۰۳	۰/۷۹۵	-۰/۰۱۸	۰/۸۴۵	۱
			سطح					
			معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۸۱۰	۰/۰۰۰

مطابق جدول ۵ بالاترین ضریب مربوط به همبستگی بین دو بُعد گریز عاطفی و واکنش پذیری هیجانی است. هم چنین، در بین ابعاد تمایز یافتگی مهمترین بُعد گریز عاطفی بوده و دیگر ابعاد یعنی واکنش پذیری هیجانی، هم آمیختگی با دیگران و جایگاه من به ترتیب در رتبه های بعدی اهمیت قرار دارند.

جدول ۶: ماتریس همبستگی دلزدگی زناشویی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضرایب	(۱)	(۲)	(۳)	(۴)	(۵)
(۱) دلزدگی زناشویی (کل)	۹۴/۰۳	۱۱/۶۴	ضریب همبستگی	۱				
			سطح معنی داری	۰/۰۰۰				
(۲) درجه دلزدگی زناشویی	۳/۸۳	۰/۳۰	ضریب همبستگی	۰/۸۷۰	۱			
			سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰			
(۳) عاطفی	۳/۲۳	۴/۸۷	ضریب همبستگی	۰/۸۴۰	۰/۷۳۱	۱		
			سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰		
(۴) (۴) روانی	۳۵/۶۷	۴/۰۶	ضریب همبستگی	۰/۶۹۵	۰/۶۰۳	۰/۳۸۴	۱	
			سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	
(۵) (۵) جسمی	۲۴/۱۳	۵/۸۴	ضریب همبستگی	۰/۸۶۴	۰/۷۵۳	۰/۶۱۳	۰/۳۹۶	۱
			سطح معنی داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰

با توجه به جدول ۶ بالاترین ضریب همبستگی مربوط به بعد جسمی و عاطفی است. همچنین مهم‌ترین ابعاد به ترتیب بعد جسمی، عاطفی و روانی می‌باشد.

جدول شماره ۷: ضرایب مدل رگرسیونی

متغیرها	ضریب b	انحراف معیار S	آماره آزمون t	سطح معنی داری p	نتیجه آزمون
مقدار ثابت b	-۱/۴۱۳	۰/۴۵۸	-۳/۰۸۶	۰/۰۰۲	رد فرض صفر
بریدگی و طرد	۰/۰۱۲	۰/۰۰۲	۶/۱۶۱	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
خودگردانی و عملکرد مختل	۰/۰۱۵	۰/۰۰۲	۵/۸۸۵	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
محدودیت‌های مختل	۰/۰۰۷	۰/۰۰۲	۲/۹۹۷	۰/۰۰۳	رد فرض صفر
هدایت شدن توسط دیگران	۰/۰۰۴	۰/۰۰۴	۱/۰۰۴	۰/۳۱۷	تایید فرض صفر
گوش به زنگی مفرط و بازداری	۰/۰۲۰	۰/۰۰۴	۵/۰۷۱	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
واکنش پذیری هیجانی	۰/۰۲۶	۰/۰۰۵	۵/۲۶۵	۰/۰۰۰	رد فرض صفر
جایگاه من	۰/۰۲۰	۰/۰۰۷	۲/۶۷۶	۰/۰۰۸	رد فرض صفر
گریز عاطفی	۰/۰۰۳	۰/۰۰۴	۰/۸۶۸	۰/۳۸۷	تایید فرض صفر
هم آمیختگی با دیگران	۰/۰۰۸	۰/۰۰۵	۱/۵۶۲	۰/۱۲۰	تایید فرض صفر

با توجه به جدول فوق ملاحظه می شود ضریب تمامی متغیرها بجز متغیر "هدایت شدن توسط دیگران" از ابعاد طرحواره ناسازگار اولیه و متغیر "گریز عاطفی" و "هم آمیختگی با دیگران" از ابعاد تمایز یافتگی خود، معنی دار می باشند. بنابراین در سطح اطمینان ۹۵٪ می توان گفت ضریب متغیرهای "هدایت شدن توسط دیگران" از ابعاد طرحواره ناسازگار اولیه و متغیر "گریز عاطفی" و "هم آمیختگی با دیگران" از ابعاد تمایز یافتگی خود برابر صفر است.

۴. بحث و نتیجه گیری

نتایج کلی پژوهش حاکی از آن است که بین ابعاد "بریدگی و طرد"، "خودگردانی و عملکرد مختل"، "محدودیت های مختل" و "گوش به زنگی مفرط و بازداری"، طرحواره ناسازگار اولیه و درجه دلزدگی زناشویی رابطه معنی دار، مستقیم و مثبتی وجود دارد. تنها در مورد "هدایت شدن توسط دیگران" اگر چه مستقیم و مثبت است اما معنی دار نمی باشد. هم چنین در مورد ابعاد تمایز یافتگی خود، شامل، "گریز عاطفی" و "هم آمیختگی با دیگران" اگر چه مثبت است اما معنی دار نمی باشد. در این مورد با توجه به اینکه بعد "جایگاه من" منفی است و بعد "واکنش پذیری هیجانی" در مدل رگرسیونی معنی دار می باشد. در مجموع نیز ابعاد مختلف "طرحواره ناسازگار اولیه" و "تمایز یافتگی" توانستند در حدود ۷۹ درصد از تغییرات درجه "دلزدگی رابطه زناشویی" را به می توان از این نتایج اینگونه استنباط کرد که هر چه "طرحواره ناسازگار عنوان متغیر ملاک تبیین یا توضیح دهند. اولیه" زوجین بیشتر باشد، به احتمال بیشتری درجه دلزدگی زناشویی آنها بالا می رود. هم چنین هر چه زوجین "تمایز یافتگی" بیشتری داشته باشند، درجه دلزدگی آنها کاهش می یابد. در تبیین نتایج حاصل از پژوهش حاضر می توان به مبانی نظری "تمایز یافتگی" و "طرحواره ناسازگار اولیه" و "دلزدگی زناشویی" استناد کرد. زمانی می توانیم فردی را بالغ بدانیم که تمام احساسات خود را به درستی بشناسد و نحوه ابراز صریح و کنترل آنها را بداند و در شرایط مختلف زندگی زیر فشار ناملازمات خرد نشود، یاد بگیرد که با مشکلات عاقلانه برخورد کند و در رفع آنها بکوشد، درباره ی مسائل و مشکلات مشورت و بحث کند و انتقادات منصفانه را بپذیرد، بدون اینکه افسرده و عصبی شود. با توجه به این تعریف، پر واضح است که فرد به درجه مناسبی از "تمایز یافتگی" در یک رابطه زناشویی دست یافته است.

اما در تعریف "طرحواره ناسازگار اولیه" آمده است که یک زوج متمایل به ایجاد تنوع یا تغییر یا بحث در مورد یک مسأله است، در حالی که زوج دیگر از تعامل خودداری نموده و بطور فیزیکی یا روانی از بحث کناره می گیرد. در این حالت مشخص است که نوع ارتباط و میزان آن به نحو مطلوبی نخواهد بود و مسائل و مشکلات به خوبی مطرح نمی شود و در موردش مذاکره و توافق صورت نمی گیرد و میزان بروز احساس مطلوب نیز در بین زوج کم خواهد بود. در این شرایط قاعدتاً میزان دلزدگی زناشویی نیز بالا خواهد بود.

منابع

- ادیب راد، نسترن؛ ادیب راد، مجتبی. (۱۳۸۴). رابطه بین باورهای ارتباطی با دلزدگی زناشویی و مقایسه آن در زنان متقاضی طلاق و زنان متمایل به ادامه ی زندگی مشترک. فصلنامه تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره. جلد ۴، شماره ۱۱۰-۹۹، ۱۳.
- استریت، ا. (۱۳۸۲). مشاوره خانواده. ترجمه مصطفی تبریزی و علی علوی نیا، تهران، انتشارات فراروان.
- ایوبلو، آفتاب. (۱۳۹۳). پیش بینی رضایت زناشویی بر اساس طرحواره‌های ناسازگار اولیه و تمایز یافتگی خود در زنان شهرستان گچساران. پایان نامه کارشناسی ارشد. روانشناسی عمومی. دانشگاه آزاد اسلامی واحد یاسوج.
- برنشتاین، فیلیپ. ج. و برنشتاین، ماری. ت. (۱۹۹۶). روش های درمان مشکلات زناشویی. ترجمه ی حسن توژنده جانی و نسرين کمالپور (۱۳۸۰) مشهد. نشر مرنديز.
- پابنيز (۲۰۰۰) چه کنیم تا عشق رویایی به دلزدگی نینجامد. ترجمه شاداب (۱۳۸۸) تهران: قدس.
- تیمور نژاد، م. (۱۳۹۰). رابطه طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی در جانبازان و همسران آنها در شهر مشهد. پایان نامه کارشناسی ارشد روانشناسی بالینی. دانشگاه آزاد اسلامس، واحد رودهن.
- ریاحی، محمداسماعیل. وردینیا، علی. بهرامی، اکبر. کاکاوند، سیاوش. (۱۳۸۶). تحلیل جامعه شناختی میزان گرایش به طلاق (مطالعه موردی شهرستان کرمانشاه). مجله پژوهش زنان، ۵(۳) ۱۰۹-۱۴۰.
- زارعی، سلمان. (۱۳۹۲). تعیین سهم خود متمایز سازی، اعتماد، شرم و گناه در پیش بینی سازگاری زناشویی. دانشکده روانشناسی و علوم تربیتی. پایان نامه، دانشگاه علامه طباطبائی.
- طالبی، مریم. غباری بناب، باقر. (۱۳۹۱). تعیین رابطه تمایز یافتگی خود با هوش هیجانی و رضایت زناشویی در مراکز مشاوره شهر شاهرود. مجله زن و مطالعات خانواده. ۵(۱۸) ۳۲-۱۵.
- عطاری، یوسفعلی. حسین پور، محمد. راهنورد، سیما. (۱۳۸۸). اثربخشی آموزشی مهارت‌های ارتباطی به شیوه ی برنامه ی ارتباطی زوجین بر کاهش دلزدگی زناشویی در زوجین. مجله اندیشه و رفتار. ۴(۱۴).
- علیکی، محمود. نظری، علی محمد. (۱۳۸۷). بررسی رابطه تمایز یافتگی و رضایت زناشویی. تازه‌ها و پژوهش‌های مشاوره. ۷(۲۶): ۲۴۷.
- گرجان، ثریا. (۱۳۹۱). نقش تمایز یافتگی خود و راهبردهای حل تعارض در پیش بینی رضایتمندی زناشویی. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه محقق اردبیلی. دانشکده بیات و علوم انسانی.
- لطفی، راضیه. (۱۳۸۵). مقایسه طرحواره‌های ناسازگار در مبتلایان به اختلالات شخصیت دسته ب و افراد سالم. پایان نامه کارشناسی ارشد. دانشگاه الزهرا تهران.
- مطیعی، زهرا. برجعلی، احمد. تقوایی، داوود. (۱۳۹۳). نقش واسطه ای قصه عشق در رابطه با طرحواره‌های ناسازگار اولیه و رضایت زناشویی. مجله علوم رفتاری. ۸(۲۱۹-۲۲۶) ۳۹.
- نویدی، فاطمه. (۱۳۸۴). بررسی و مقایسه رابطه دلزدگی زناشویی با عوامل جو سازمانی در کارکنان ادارات آموزش و پرورش و پرستاران بیمارستانهای شهر تهران. پایان نامه چاپ نشده ی کارشناسی ارشد در رشته ی مشاوره. دانشگاه شهید بهشتی.
- نیک منش، زهرا. پیراسته مطلق، علی اکبر. (۱۳۹۱). طرحواره‌های ناسازگار اولیه و کیفیت زندگی. مجموعه مقالات ششمین سمینار سراسری بهداشت روانی دانشجویان، دانشگاه گیلان. ۹۹۷.
- یانگ، ج. (۱۳۸۹). شناخت درمانی اختلالات شخصیت، رویکرد طرحواره محور. ترجمه علی صاحبی، حسن حمید پور. تهران. انتشارات: ارجمند.

- یوسف نژاد، مائده. پیوسته گر، مهرانگیز. (۱۳۹۰). رابطه رضایت از زندگی و طرحواره‌های ناسازگار اولیه در دانشجویان. نشریه دانش و پژوهش در روانشناسی کاربردی. دوره، ۱۲ شماره، ۴۴ تابستان. ۹۰
- یوسفی، رحیم. عابدین، علیرضا. تیرگی، عبدالحکیم. فتح آبادی، جلیل. (۱۳۸۹). اثر بخشی مداخله آموزشی مبتنی بر مدل طرحواره‌ها در ارتقاء رضایت زناشویی. مجله روانشناسی بالینی، ۲(۳)، ۳۸-۲۵.
- یوسفی، ناصر. (۱۳۹۰). مقایسه اثربخشی دو رویکرد خانواده درمانی مبتنی بر طرحواره درمانی و نظام عاطفی بوئن بر طرحواره‌های ناسازگار اولیه در مراجعان متقاضی طلاق شهر سقز. مجله ی اصول بهداشت روانی، ۱۳(۴)، ۳۵۶-۳۳.
- **Beck, A. T. (1976).** Depression: Causes and treatment. Philadelphia, Pennsylvania: University of Pennsylvania Press.
- **Bowen, M. (1978).** Family therapy in clinical practice. New York: Aronson; 44 134.
- **De Cesare, S. D. (2008).** Anxiety and Depression: Self -differentiation as a unique predictor. Unpublished doctoral dissertation. Mary wood University.
- **Gabriel, B. Beach, S.R.H. & Bodenman, g. (2010).** Depression, marital satisfaction and communication in couples: investigating gender differences. Behavior therapy 41:306-316.
- **Glade, A. C. (2005).** Differentiation, marital satisfaction and depressive symptoms: an application of Bowen therapy. Unpublished doctoral dissertation. The Ohio state University.
- **Pines, A. M. (1996).** Couple burnout: Causes and cures. London Routledge, ISBN0-415-916. 32-1. 27Opp.
- **Kayser, K. (1996).** When love dies: the process of marital disaffection. New York: The Guilford press.
- **Skowron, E. and Fried Lander, M. (1998).** The differentiation of self and child abuse potential in Young adulthood. The family Journal, B (3), 281-290.
- **Skowron, E.A.(2000).** The role of Differentiation of self in Marital adju -stment. Journal of counseling Psychology, 47(2), 229-237.
- **Skowron, E. A. and Dendy, A. K. (2004).** Differentiation of self and attachment adulthood. Journal of contemporary family therapy, 26 (3), 337-357. Roytburd and Myrna.
- **Vanpelt, N. (2004).** Creative ways to keep romance alive .Retrieved ,Septamper 1,2004 ,from.Http://www.heartn.
- **Young, M. E. and Long, L. L. (1998).** Counseling and therapy for couples Brook/cde: publishing company. Young, J. E. (1999). Cognitive therapy for personality disorder: A Schemas Focused approach. Florida: Professional Resources Press.
- **Young, J. E. (2007).** The relationship between appearance schemas, self–steem, and in direct aggression among collage woman. Doctoral thesis. Oklahoma State University.